

محمد درویش، در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» تأکید کرد:

# راه نجات اصفهان؛ حذف کشاورزی بالادست و صنایع آب‌بر



نماینده مجلس:

**سگ گردانی برای برخی تبدیل به «کلاس» شده، جلوی آن رامی گیریم**

نماینده مجلس یازدهم و از امضاکننده طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات خطرناک و مضر» گفت:

اخیراً آب شده است که در آپارتمان‌ها سوسمار، شیر، پلنگ، مار و لاک‌پشت‌های خطرناک به‌عنوان حیوان خانگی نگهداری می‌شود.

به گزارش دیده‌بان ایران، حجت‌الاسلام تقی‌علی گفت: در برخی از مواقع حتی ایسن حیوان‌ها در سطح آپارتمان‌ها می‌شوند و موجب آزار و اذیت و آسیب‌های جدی جانی برای اشخاص می‌شود؛ به دلیل این که قانون خاصی هم در این زمینه وجود ندارد. متأسفانه این روند هر روز در حال گسترش است تا آن‌جا که این کار برای برخی تبدیل به «کلاس» شده است. جلوی این کارها را می‌گیریم.

## هشدار وزارت بهداشت درباره آلودگی شدید هوای تهران

رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، اعلام کرد: اوضاع هوای تهران آن‌قدر خراب است که

کار گروه شرایط اضطرار استان تهران باید نسبت به تصمیم عاجل اقدام کند.

عباس شاهسونی، افزود: ۱۶ ایستگاه در تهران با شاخص بالای ۱۵۰، در وضعیت ناسالم برای همه گروه‌ها قرار دارند.

بنابر این اعلام در منطقه دوش‌دیدی ترین وضعیت آلودگی را شاهد هستیم و کیفیت هوای این منطقه بسیار ناسالم است.

## بازگشایی مدارس ابتدایی و متوسطه اول از فردا

وزارت آموزش و پرورش از بازگشایی مدارس ابتدایی و متوسطه اول از فردا خبر داد و روزهای حضور در کلاس‌ها به

مدارس واگذار کرد. سرپرست وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه منتظر بیم از اول آذر مدارس ابتدایی و متوسطه اول با برنامه‌ها و الگویی که خود مدارس تدوین کرده‌اند، به صورت حضوری بازگشایی شوند گفت: تفاوتی بین آموزش حضوری و مجازی به لحاظ الزام برای شرکت در کلاس نیست. در این میان اگر دانش‌آموزی بیمار باشد کسالت داشت می‌تواند تا زمان بهبودی در مدرسه حضور نیابد.

## کرونا در یک قدمی پیک ششم است

فرمانده عملیات مدیریت بیماری‌های کرونا در کلان شهر تهران با هشدار نسبت به شکل‌گیری پیک ششم کرونا گفت: اگر

چنانچه پوشش کافی واکسیناسیون انجام نشود یا مردم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی را نادیده بگیرند بی‌تردید پیک ششم کرونا را پیش‌رو خواهیم داشت. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان علی‌رضایی گفت: جلوگیری از شکل‌گیری پیک ششم کرونا در گروی رفتارهای اجتماعی و بهداشتی عموم مردم است.

## شهرکی که بخاطر فرونشست، خالی از سکنه شد

یکی از نمونه‌های آثار فرونشست زمین، وضعیت شهر کنیروی هوایی ارتش در منطقه «خانه اصفهان» است.

به گزارش ایسنا در این شهر که که احداث آن به قبل از انقلاب برمی‌گردد، حدود شش هزار نفر از افسران و خلبانان و خانواده‌های آنها زندگی می‌کردند.

در سال‌های گذشته، ساختمان‌های این شهر که درگیر آثار فرونشست زمین شده‌اند؛ به حدی که ساکنان آن در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند.

چرا؟ چون در طول مسیر کشاورزان منطقه فریدون شهر و فریدن تصمیم گرفتند با موتور پمپ ایسن آب را بردارند و اراضی مرئی منطقه را به اراضی فاریاب یا کشت‌آبی تبدیل کنند و در نتیجه ایسن اقدام بیش از ۳۰ هزار هکتار به وسعت اراضی کشاورزی در خود استان اصفهان اضافه شد.

این مسئله از منظر دیگری هم مهم است و آن این است که وقتی شما در بالادست آب را به مصرف کشاورزی می‌رسانید، عملاً چیزی به شرق اصفهان نمی‌رسد. در صورتی که وقتی آب در رودخانه جاری شود و از شهر اصفهان عبور کند و به شهرستان ورزنه که در جوار تالاب گاوخونی برسد و آنجا صرف امور کشاورزی شود؛ شاهد خشکی زاینده‌رود و تالاب گاوخونی نخواهیم بود. چرا که کشاورزی در منطقه ورزنه هنوز سنتی و کرتی است و در نهایت پساب این آب هم وارد گاوخونی شده و این تالاب هم احیای می‌شود.

**پس از نظر شما خواست کشاورزان معترض با منافع محیط زیستی این منطقه در تعارض نیست؟**

به هیچ وجه! کشاورزانی که در صحن خشک زاینده‌رود جمع شدند، اگر به حقشان که حق آب قدیمی از زمان شیخ بهایی است، برسند و رودخانه دوباره در شهر اصفهان ورزنه جاری شود، در نهایت این موضوع به نفع محیط زیست و تاب‌آوری تالاب گاوخونی است. در واقع در اعتراضات اخیر، خود کشاورزی با کشاورزی تضاد پیدا کرده است و کشاورزان بالادست که کشاورز هم نبوده‌اند از مندان و به واسطه سهل‌انگاری حاکمیت، خود راصاحب‌حقی می‌دانند که از آن حق برخوردار نبوده‌اند و چنین بحرانی آفریده‌اند.

**اما ما اجرای صنایع در اصفهان هم موضوع مهمی است که هم مردم و هم کشاورزان معترض در تجمعات اخیر زاینده‌رود به آن اشاره می‌کنند. صناعی که به نظر می‌رسد در کنار کشاورزی ضربه کاری دیگر را به منطقه اصفهان وارد کرده است.**

بله متأسفانه صنایع به شدت آبی‌بری در اصفهان گسترش پیدا کرده است. همین سال ۹۹ اعلام شد که صنعت فولاد مبارکه اصفهان توانسته رکوردها را جابه‌جا و ۱۷ میلیون تن فولاد و محصولات جانبی تولید کند. این میزان فولاد به چیزی حدود ۱۷۰ تا ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب نیاز دارد. یعنی

بیشتر از دو تونل چشمه لنگان و خدنگستان. این در حالی است که این صنایع آب‌بر تنها مختص فولاد نیست و پتروشیمی‌هایی که در اصفهان هستند چند برابر فولاد، آب مصرف می‌کنند. کارخانه پلی‌اکریل، کارخانه‌های سفال و آجرپزی و سیمان و سرامیک و صنایع دیگری که مدام در حال افزایش بارگذاری‌ها در استان اصفهان هستند. بارگذاری‌هایی که اصلاً با توان اکولوژیک منطقه سازگار نیست. اینها هستند که دست به دست هم داده و این بحران را آفریده‌اند.

**در حالی که مردم اصفهان به خشکی زاینده‌رود معترضند و خواهان رفع این مشکل از سوی مسئولان امر هستند، مردم استان‌های همسایه مثل لرستان و چهارمحال و بختیاری نگرانند که رفع مشکل در اصفهان به قیمت مشکلات بیشتر برای این استان‌ها تمام شود. این در حالی است که گفته می‌شود همین حالا هم سد زاینده‌رود تنها ۱۲ درصد آب دارد و در چهارمحال ۲۰۰ روستا با تاخر آبرسانی می‌شود. حتی ابراهیمی، نماینده لرستان گفته است که اگر بنابر تجمع باشد، لرستانی‌ها که بیشتر در حقشان اجحاف شده، باید تجمع کنند.**

مسئله اینجاست که ما دچار یک بی‌اعتمادی تاریخی هستیم. آنقدر که به ما دروغ گفته شده است، مردم باور نمی‌کنند. مردم در چهارمحال و بختیاری و خوزستان این راهپیمایی پرشور مردم اصفهان را بساور نمی‌کنند و معتقدند این راهپیمایی را مافیای طرح‌های انتقال آب شکل داده است تا بتواند طرح بهشت‌آباد را اجرا کند و از آنجایی که حاکمیت سرمایه‌های اجتماعی را نابود کرده است و کسانی که مردم به آنها اعتماد داشتند و توان آرام کردن مردم را دارند هم حذف شده‌اند؛ موضوع پیچیده شده است. این نتیجه چند دهه تفکر تمامیت‌خواهانه است که به جای همه تصمیم گرفته و طرح‌های انتقال آب را اجرا کرده است، ملاحظاتی محیط‌زیستی را به سرخه گرفته و حالا به این بن‌بست خطرناک رسیده است.

حاکمیت در همین چند روزی که با صبوری و خردمندی منتقدان خود را تحمل کرده و اجازه داده که در اصفهان حرف‌ها زده شود، باید با همین صبوری اجازه دهد که در چهارمحال و بختیاری، در خوزستان، در لرستان هم

## اگر حق آب گاوخونی را مقدم بر حق آب کشاورزی و صنعت در نظر بگیریم وزاینده‌رود را بر مبنای پتانسیل‌های آبی رودخانه جاری کنیم و در عین حال اجازه ندهیم آبی از استان اصفهان به جای دیگر برود و ناهز جای دیگر به اصفهان بیاید، همه مشکلات حل خواهد شد

منتقدان و کنشگران و فعالان حوزه حرف‌هایشان را بزنند و رسانه ملی اینها را پخش کند و پاسخ منطقی به آنها و به نگرانی‌ها داده شود. مردم باید بدانند که آب‌دار کردن زاینده‌رود به معنی نابود کردن کارون و کرخه و کشکان و سیمره نیست و ما می‌توانیم با متناسب کردن چیدمان توسعه در هر استان، هم زاینده‌رود روان داشته باشیم و هم کرخه و کارون و کشکان و سیمره خروشان. این اتفاقی است که باید بیافتد. مردم به جای اینکه عادت کنند بین بد و بدتر انتخاب کنند، باید بدانند می‌شود معادله بر-درد هم داشت. می‌شود به جای اینکه مردم را وارد کنیم که با ما زوت را تحمل کنند یا خاموشی را، بگوئیم که می‌شود هم ما زوت مصرف نکرد و هم خاموشی نداشت. می‌شود به جای نیروگاه‌های آلاینده حرارتی از نیروگاه‌های خورشیدی استفاده کرد. واقعیت این است که راه سوم وجود دارد. در اصفهان و خوزستان و لرستان هم راه سوم وجود دارد. ما اگر حق آب گاوخونی را مقدم بر حق آب کشاورزی و صنعت در نظر بگیریم و زاینده‌رود را بر مبنای پتانسیل‌های آبی رودخانه جاری کنیم و در عین حال اجازه ندهیم آبی از استان اصفهان به جای دیگر برود و ناهز جای دیگر به اصفهان بیاید، همه مشکلات حل خواهد شد.

**با اشاره‌ای که به وضعیت آبی‌بری صنایع داشتید برای رفع این بحران با صنایع چه می‌توان کرد؟**

در کوتاه‌مدت صنایع باید بارگذاری‌های جدید را متوقف کنند. الان برای ۱۰ سال آینده، ده‌ها طرح جدید توسعه صنعت فولاد، پتروشیمی در استان‌های اصفهان و یزد تعریف شده که در وهله

اول باید همه این طرح‌ها متوقف و در صورت ضرورت همه به سواحل خلیج فارس و دریای عمان منتقل شود. از سوی دیگر در صورت رفع تحریم‌ها ایران باید به تعهدات گلاسکو عمل و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کم کند. بنابراین دیگر نمی‌تواند به سراغ گسترش صنعت سیمان و صنایع انرژی‌بری مثل فولاد برود. تمهیدات قانونی این موضوع نیز فراهم است. در برنامه پنج ساله پنجم و ششم هم آمده است که دولت موظف است دستکم ۵ هزار مگاوات برق از طریق انرژی‌های خورشیدی و بادی فراهم کند و به جای صنایع آلاینده، صنایع استحصال انرژی‌های نو را اصفهان یزد و فارس برپا و با استفاده از ظرفیت‌های گردشگری درآمد پایدار ایجاد کند. در هر حال همه راه‌ها به صنایع آب‌بر و آلاینده ختم نمی‌شود.

کار دوم برای رفع این بحران این است که صنایع باید ارتقای نرم‌افزاری پیدا کنند. در حال حاضر در فولاد مبارکه اصفهان برای کاهش دمای فولاد از ۴۵۰ درجه به ۵۰۰ درجه برای شکل‌گیری، در هر ساعت هزار مترمکعب آب شیرین مصرف می‌شود، در صورتی که استاندارد این پروسه ۱۰ مترمکعب است. پس ما باید به سمت ارتقای صنعت برویم و مصرف آب را در این بخش کاهش دهیم.

کار سوم این است که باید اجازه داده شود پساب‌هایی شهری و کشاورزی پس از تصفیه وارد سفره‌های آب زیرزمینی شود و به این ترتیب به تعادل بخشی سمت استحصال انرژی خورشیدی خواهد رفت، حق آب گاوخونی را مقدم بر کشاورزی و صنعت بها خواهد داد. چرا فکر نکنیم که حاکمیت می‌تواند چاه‌های غیرمجاز را پلمپ کند و مصرف چاه‌های مجاز را به نصف کاهش دهد و خسارت مستقیم به ذی‌نفعان برای ۱۰ سال را بپردازد تا بعد از این اصفهان بتواند دوباره نفس بکشد، بدون اینکه مجبور باشد آبی را از دیگر استان‌ها به سمت خودش هدایت کند.

**آنچه اصفهان را به این روز انداخته است، بارگذاری‌های بیشتر از توان اکولوژیک استان اصفهان است. ما به بهانه توسعه کشاورزی در بالادست سدزاینده‌رود، کشاورزی‌های قدیمی و دیرینه را در شرق اصفهان نابود کردیم**

طرح‌های صنایع آب‌بر را گسترش دهند به شدت غلط است. وقتی در اصفهان با دوازده متر مکعب تراز منفی ایخون روبرو هستیم تنها کار عقلانی این است که اجازه دهیم این پساب‌های شهری و کشاورزی بعد از تصفیه وارد آب‌های زیرزمینی شود و به توان زیست پایایی منطقه کمک کند.

**اگر آنچه که شما به عنوان راهکار به آن اشاره کردید اجرا نشود و بنا به تجربه، گزیننه نگران‌کننده پیش برده شود و عملاً نتیجه اعتراضات پرشور اهالی اصفهان برای زاینده‌رود منجر به اجراء پروژه‌های مخرب انتقال آب از سرشاخه دیگر رودخانه‌های کشور بشود؛ چه اتفاقی در انتظار آینده محیط‌زیست منطقه خواهد بود؟ و چقدر احتمال دارد دولت این راه را انتخاب کند؟**

با توجه به اینکه اصفهان همین حالا هم سالانه چهار میلیارد متر مکعب آب سفره‌های آب زیرزمینی‌اش برداشت می‌کند و با این روند حداکثر بین ۹ تا ۱۸ سال کل ایخون اصفهان خالی می‌شود، در آینده نزدیک ما با یک جمعیت بیش از ۵ میلیون نفری روبرو خواهیم بود که مجبور به مهاجرت هستند و این موج مهاجرت از اصفهان به دیگر استان‌ها به فروپاشی اصفهان و در نهایت فروپاشی کل ایران منجر می‌شود. به نظر می‌رسد که دولت هرگز اجازه این کار نخواهد داد؛ زیرا کشور از بین می‌رود.

**به نظر شما عاقبت این بحران به چه صورت حل شود؟**

همین که این بار حاکمیت اجازه داده که بدون مجوزهای مرسوم، مردم در بستر خشک زاینده‌رود اعتراض و تجمع کنند را باید به فال نیک گرفت. خب وقتی در این حد درایت در کشور نمود پیدا کرده است؛ چرا گمان نکنیم که کشور به سمت استحصال انرژی خورشیدی خواهد رفت، حق آب گاوخونی را مقدم بر کشاورزی و صنعت بها خواهد داد. چرا فکر نکنیم که حاکمیت می‌تواند چاه‌های غیرمجاز را پلمپ کند و مصرف چاه‌های مجاز را به نصف کاهش دهد و خسارت مستقیم به ذی‌نفعان برای ۱۰ سال را بپردازد تا بعد از این اصفهان بتواند دوباره نفس بکشد، بدون اینکه مجبور باشد آبی را از دیگر استان‌ها به سمت خودش هدایت کند.

